



سید جواد حسینی

خطبه سوّم، زمانی بیان شده است  
که کوردتاگران به خانه ولایت هجوم  
بردند؛<sup>۳</sup>

خطبه چهارم در نکوهش پیمان  
شکنان و انسانهای بی تفاوت است؛

خطبه پنجم در مقابل مهاجمان به  
بیت وحی بیان شده است.

مقصود از خطبه آن حضرت در  
این مقاله، همان خطبه اول و خطبه  
معروف آن بانوی مکرمه است که  
بخشهای مختلفی دارد.

از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام پنج  
خطبه نقل شده است: نخستین خطبه،  
سخنرانی ایشان است که پس از  
غصب خلافت امیر مؤمنان علیه السلام و  
غصب فدک ایراد شد؛<sup>۱</sup>

خطبه دوم، سخنرانی آن حضرت  
در جمع زنان مهاجر و انصار است؛<sup>۲</sup>

۱. بحارالانوار، محمد باقر مجلسی، دار  
احیاء التراث العربی، بیروت، دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۳،  
ص ۱۵۸.

۲. همان، ج ۲۸، ص ۲۰۵.

۳. احتجاج، طبرسی، ص ۱۰۶.

نیز به اهمیت و آثار و برکات عدالت اجتماعی پرداخته‌اند.

استاد مطهری می‌گوید: «[عدالت] رعایت حقوق افراد و عطا کردن به هر ذی‌حق، حق او را؛ ظلم، عبارتست از: پامال کردن حقوق و تجاوز به حقوق افراد دیگر و تصرف در حقوق دیگران. معنای حقیقی عدالت بشری؛ یعنی عدالتی که در قانون بشری باید رعایت شود و افراد بشر باید آن را محترم بشمارند، همین معنا است. این عدالت، متکی بر دو چیز است: یکی حقوق و اولویتها؛ یعنی افراد بشر نسبت به یکدیگر و در مقایسه با یکدیگر نوعی حقوق و اولویت پیدا می‌کنند...»

یکی دیگر، خصوصیت ذاتی بشر است که طوری آفریده شده است که در کارهای خود الزاماً نوعی اندیشه که آنها را اندیشه اعتباری می‌نامیم، استخدام و با استفاده از آن اندیشه‌های اعتباری به عنوان «آلت فعل» به مقاصد طبیعی خود نائل

در شماره پیشین مجله، از این عناوین بحث شد: ایمان و نماز، زکات، حج، امامت، رهبری و جهاد. در این مقاله عناوین ذیل بررسی شده است: عدالت اجتماعی، صبر، احسان به پدر و مادر و صلح رحم.

### مجلس اول: عدالت

فاطمه زهرا علیها السلام با توجه به اهمیت عدالت، مهم‌ترین فلسفه آن را آرامش دلها می‌داند؛ از اینرو فرمود: «جعل الله ... و الْعَدْلَ تَنْسِيقاً لِلْقُلُوبِ؛<sup>۱</sup> عدل را برای استواری (و آرامش) دلها قرار داد.»

بحث عدالت، به ویژه عدالت اجتماعی در اسلام، جایگاه مهم و ویژه‌ای دارد. یکی از مهم‌ترین اهداف بعثت پیامبران و تلاش معصومان، اقامه عدل و قسط بوده است.

همچنین بر مؤمنان و متدینان سفارش شده است که برای برپایی عدالت اجتماعی تلاش کنند. روایات

۱. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۸.

امتی، رسولی است. هنگامی که رسولشان [به سوی آنان] بیاید، به عدالت در میان آنها داوری می‌شود و ستمی به آنها نخواهد شد.

در آیه دیگر می‌فرماید: **«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ آلَا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»**؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت، گواهی دهید. دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند. عدالت کنید که به پرهیزگاری نزدیک است و از [معصیت] خدا پرهیزید، که از آنچه انجام می‌دهید، باخبر است.»<sup>۲</sup>

در روایات نیز تعبیرات بسیار حیاتی از عدالت شده است که به چند نمونه اشاره می‌شود:

می‌آید. آن اندیشه‌ها یک سلسله اندیشه‌هایی «انشائی» است که با «باید»ها مشخص می‌شود؛ از آن جمله این است که برای اینکه افراد جامعه بهتر به سعادت خود برسند، «باید» حقوق و اولویتها رعایت شود و این است، مفهوم عدالت بشری که وجدان هر فرد آن را تأیید می‌کند و نقطه مقابله را که ظلم نامیده می‌شود، محکوم می‌سازد.»<sup>۱</sup>

مولوی می‌گوید:

عدل چه بود؟ وضع اندر موضعی  
ظلم چه بود؟ وضع در ناموضعی  
عدل چه بود؟ آب ده اشجار را  
ظلم چه بود؟ آب دادن خار را  
به نمونه‌هایی از آیات و روایات درباره عدالت اجتماعی توجه کنید:

در قرآن کریم می‌خوانیم: **«وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قَضَىٰ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يَظْلُمُونَ»**؛<sup>۱</sup> «برای هر

۱. عدل الهی، مرتضی مطهری، صدرا، قم، ۱۳۵۷

ش، چاپ دهم، ص ۶۲

۲. یونس/۲۷.

قضاوت ستمکارانه [نزد خدا] از شصت سال گناه شدیدتر و بزرگ‌تر است.»

### علی علیه السلام و عدالت

یکی از دختران امیرمؤمنان علیه السلام گردنبندی را به عنوان عاریه به مدت سه روز برای استفاده کردن در روز عید قربان از ابن‌رافع خزانه‌دار بیت‌المال امام علی علیه السلام گرفت. وقتی خبر به علی علیه السلام رسید، به شدت غضبناک شد، وی را احضار کرد و فرمود: «آیا برای همه زنان مسلمانان، ممکن است که از بیت‌المال عاریه بگیرند؟» سرانجام، حضرت، گردنبند را در اسرع وقت به بیت‌المال برگرداند و فرمود: «اگر به عنوان عاریه نبود دست دخترم را قطع می‌کردم.»<sup>۱</sup>

### عدالت در بین فرزندان

از جمله اموری که باید در آن به عدالت رفتار شود، مسائل مربوط به

۴. وسائل الشیعه، حر عاملی، آل‌البیت، ج ۲۸، ص ۲۶۲.

۱. حضرت علی علیه السلام فرمودند: جَعَلَ اللَّهُ الْعَدْلَ قِوَامًا لِلْأَمَامِ؛ خداوند، عدل را برای قوام و استواری مخلوقات قرار داد.»

۲. آن حضرت در سخن دیگری می‌فرماید: «الْعَدْلُ أَحْلَى مِنَ الْمَاءِ يُصِيبُهُ الظَّمَانُ؛ عدالت شیرین‌تر از آب برای تشنه‌ای است که به آن دست یابد.»<sup>۲</sup>

۳. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «عَدْلٌ سَاعَةٌ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً قِيَامٌ لَيْلَهَا وَصِيَامٌ نَهَارُهَا وَجُوزُ سَاعَةٍ فِي حُكْمٍ أَشَدُّ وَأَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ مَعَاصِي سِتِّينَ سَنَةً؛<sup>۳</sup> یک ساعت رعایت عدالت، بهتر از شصت سال عبادت است که شبهای آن عبادت کنند و روزهای آن روزه باشند و یک ساعت حکم و

۱. غرر الحکم، عبدالواحد آمدی، مکتب الاعلام، قم، شماره ۱۶۹۷، ۱۳۶۶ ش، ج ۱، ص ۳۷.

۲. کافی، کلینی، دار الصعب، بیروت، چهارم، ۱۴۰۱ ق، ج ۲، ص ۱۴۶، ح ۱۱.

۳. جامع الاخبار، تاج‌الدین الشعری، دار الرضی، قم، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۱۵۴ و بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۳۵۲.

خانواده و فرزندان متعدد در یک خانواده است. اگر چه ممکن است بعضی از آنها مورد علاقه بیش‌تر باشند؛ ولی باید دقت کرد که اظهار و ابراز علاقه، منجر به عدم رعایت عدالت و تبعیض در بین آنان نگردد که در این صورت مرتکب ظلم شده و باید منتظر عواقب ناگوار آن بود.

نعمان بن شبیر می‌گوید که روزی پدرم به من هدیه‌ای داد؛ ولی به دیگر برادران و خواهرانم چیزی نداد. مادرم عمرة بنت رواحه به پدرم گفت: «من به این تبعیض راضی نمی‌شوم؛ مگر آنکه رسول خدا درستی عمل تو را گواهی کند.» سپس پدرم به محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شرفیاب شد و عرض کرد: «ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! من به فرزندم هدیه‌ای داده‌ام و همسر مرا واداشته که شما را بر صحت آن گواه بگیرم.» پیامبر پرسید: «آیا به همه فرزندان چنین هدیه‌ای داده‌ای؟» وی گفت: «نه!» حضرت فرمود: «پس از خدا بترس و

بین فرزندان به عدالت رفتار کن، من بر کار ظالمانه گواهی نمی‌دهم.»<sup>۱</sup>

### دیوار عدالت

هیچ عمران و آبادی و ساخت و سازی مانند عدالت، یک شهر را آباد نمی‌کند. در حالی که اگر یک شهر و مملکت از حیث ظاهر و ساختمانها با شکوه گردد؛ ولی این شکوه بر اساس ظلم باشد، در واقع آباد و پایدار نیست. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «ما عُمرتِ البُلدانُ بِمِثْلِ العَدْلِ؛<sup>۲</sup> هیچ چیز مانند عدل سبب آبادی شهرها نمی‌شود.»

فرماندار حمص به عمر بن عبدالعزیز در نامه‌ای نوشت: «دیوارهای شهر در حال خراب شدن است. برای تعمیر آن چه دستور می‌فرمایید؟» خلیفه در پاسخ نوشت: «شهر حمص را از عدالت دیوار بکش و راهها را از ظلم و ستم نسبت به

۱. میزان الحکمة، محمدی ری شهری، دارالحدیث،

ج ۱۰، ص ۷۰۷

۲. غرر الحکم، ج ۱، ص ۳۳۹.

ناموس خدا اهانت کردند؟ راستی با این اهانتها و بی حرمتیها به دنبال چه چیزی بودند؟!

شیطان به بیت وحی تعالی چه می کند؟ آتش به گرد جَنَّتِ اعلیٰ چه می کند؟ دار الزیارة نبی و آستان وحی ای وای من مغیره در آنجا چه می کند؟ رویش سیاه گردد و دستش پریده باد قنفذ، کنار خانه مولا چه می کند؟ باید زنازبانها، پیرسم که در بهشت آثار خون به قامت طوبی چه می کند؟ گیرم روا است سوختن خانه میخ در بر سینه شکسته زهرا چه می کند؟

آری، این بی عدالتی همچنان ادامه یافت و این آتش همچنان شعله ور ماند تا عصر عاشورا، خیمه گاه آل الله را به آتش کشید و نوامیس خدا و آل

بیت علیهم السلام را به اسارت برد. اینجا فریاد دختر زهرا علیها السلام بلند شد که «أَمِنْ

الْعَدْلِ يَا ابْنَ الطَّلَقِ تَخَذِيرُكَ حَرَّائِرُكَ وَ إِمَاءُكَ وَ سَوْفُكَ بَنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ سَبَّيَا قَدْ هَيْبَتُكَ سُتُورُهُنَّ وَ أُبْدِيَّتُ وَ جُوهُنَّ تَخْذُو بِهِنَّ الْأَعْدَاءُ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ وَ يَسْتَشْرِفُهُنَّ؟ أَهْلُ الْمَنَاهِلِ وَالْمَنَاقِلِ وَ

مردم، پاکسازی کن. در این صورت به دیوار خشت و سنگ و گچ نیازی نیست.»<sup>۱</sup>

### توسل

بر اساس همین عدالت بود که حضرت فاطمه علیها السلام علیه ابابکر چنین احتجاج و استدلال کرد: «آیا از عدل است که تو از پدرت ارث بیری و من از پدرم ارث نبرم؟» از اینرو فرمود: «... يَا ابْنَ أَبِي قُحَافَةَ، أَفِي كِتَابِ اللَّهِ أَنْ تَرِثَ أَبَاكَ وَ لَا أَرِثَ أَبِي؟ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا فَرِيًّا؛ ای پسر ابی قحافه! آیا در کتاب خدا آمده که تو از پدرت ارث بیری و من از پدرم ارث نبرم؟! بر راستی بدعت تازه و زشتی آورده ای.»<sup>۲</sup>

راستی این از عدالت بود که خانه ولی خدا را در مدینه آتش زدند و به

۱. هزار و یک حکایت تاریخی، ص ۱۹۶.

۲. دلائل الامامة، طبری، منشورات الرضی، قم، ص ۳۰، عوالم العلوم، بحرانی، مدرسة الامام المهدي علیه السلام، قم، ج ۱۱، ص ۴۶۷، احتجاج، ج ۱، ص ۱۰۸ و امالی، صدوق، ج ۱، ص ۳۸۴.

يَصْفَحُ وَجُوهَهُنَّ الْقَرِيبُ وَالْبَعِيدُ وَالِدُنِّيُّ  
وَالشَّرِيفُ لَيْسَ مَعَهُنَّ مِنْ رِجَالِهِنَّ وَلِيُّ وَ  
لَا مِنْ حُمَاتِهِنَّ حَمِي؛<sup>۱</sup> ای پسر آزاد شده  
[جد ما]! آیا از عدل است که تو زنان  
و کنیزان خود را در پرده بنشانی و  
دختران رسول خدا را اسیر کنی و از  
شهری به شهر دیگر ببری؟! پرده  
آبروی آنها را هتک کنی و صورت  
آنان را آشکار سازی که مردم بدانها  
چشم دوزند، و نزدیک و دور و  
فرومایه و شریف چهره آنها را  
بنگرند. از مردان آنان کسی به  
همراهشان نیست، نه یار و نه نگاهدار  
و نه مددکاری.»

### مجلس دوم: صبر

از لوازم انفکاک ناپذیر زندگی  
اجتماعی و فردی دنیا، این است که  
زحمات، گرفتاریها، بیماریها، بلاها و  
... دامنگیر انسان می شود و همین طور  
در مقابل وسوسه های نفسانی و

شیطانی قرار می گیرد و عبادتهایی  
چون نماز و روزه و حج و امثال آن  
را باید انجام دهد. تمامی این موارد  
سخت، نیاز به استقامت و صبر دارد.  
صبر، آثار بسیار سازنده و محصولات  
بسیار شیرینی برای انسان به ارمغان  
می آورد. تمامی کسانی که به مقامات  
عالیه راه یافته اند از انبیا گرفته تا  
امامان و اولیاء الهی، عامل اصلی و  
رمز حقیقی این راهیابی، بردباری بوده  
است.

حضرت زهرا (علیها السلام) یکی از آثار و  
حکمت های صبر را پاداش عظیم آن  
معرفی می کند و می فرماید: «وَالصَّبْرُ  
مَعُونَةٌ عَلَيَّ اسْتِجَابِ الْجَاؤِرِ؛<sup>۲</sup> و  
[خداوند] صبر را برای به دست  
آوردن پاداش قرار داده است.»

در قرآن کریم تعبیرات بسیار  
بزرگ و پر معنایی درباره صبر شده  
است که باعث تشویق و دلگرمی  
انسان می شود. همچنین در روایات،  
آثار گرانبها و مهمی برای بردباری

۱. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، دار  
احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۵، ص ۱۳۳.

و مشرقها و مغربهای پربرکت زمین را به آن قوم به ضعف کشانده شده (زیر زنجیر ستم) واگذار کردیم: ﴿وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا﴾<sup>۳</sup> «وعده نیک پرورگارت بر بنی اسرائیل، به سبب صبری که به خرج دادند، تحقق یافت.»

گرت چو نوح نبی صبر هست در غم طوفان بلا بگردد و کام هزار ساله برآید<sup>۴</sup>  
 ۴. امامت و هدایت، پاداش شکیبایی  
 ﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ﴾<sup>۵</sup> «و از آنان امامان (و پیشوایانی) قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می کردند؛ چون شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند.»

صبر تلخ آمد ولیکن عاقبت میوه شیرین دهد پرمغمت<sup>۶</sup>

۳. الاعراف/ ۱۳۶ و ۱۳۷.

۴. حافظ.

۵. السجدة/ ۲۴.

۶. مولوی.

بیان شده است که به اهم آیات و روایات در این زمینه اشاره می شود:

۱. صابران، محبوب خداوند

﴿وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾<sup>۱</sup> «خداوند

بردباران را دوست دارد.»

۲. خداوند، یاور صابران

﴿وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَّزِعُوا

فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ

اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾<sup>۲</sup> «خدا و رسولش

را اطاعت کنید و با هم نزاع نکنید که

سست شوید و قدرت (و شوکت)

شما از میان برود و استقامت کنید که

خداوند با استقامت کنندگان است.»

این معیّت، معیّت خاص و ویژه

است؛ غیر از معیّتی است که خداوند

با همه دارد؛ ﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَكُمْ﴾ و ﴿نَحْنُ

أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾.

۳. تسلط بر زمین، پاداش صبر

در قرآن کریم می خوانیم:

«سرانجام از فرعونیان انتقام گرفتیم...»

۱. آل عمران/ ۱۴۶.

۲. انفال/ ۴۶.



۵. درود و رحمت خدا

در قرآن به پاداش دیگری برای صابران اشاره کرده، می فرماید: «... وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»؛<sup>۱</sup> «به بردباران بشارت بده، آنها که هرگاه مصیبتی به ایشان می رسد، می گویند: ما از آن خداییم، و به سوی خدا برمی گردیم. اینها، همانها هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده است. و آنها هستند، هدایت یافتگان.»

در این آیه به سه پاداش صابران اشاره شده است: ۱. درود خدا (در واقع، همان الطاف ویژه الهی)؛ ۲. رحمت خاص الهی؛ ۳. هدایت خاص الهی.

۶. اساس ایمان

حضرت صادق علیه السلام فرمود: «الصَّبْرُ رَأْسُ الْإِيْمَانِ؛ بردباری سرِ ایمان است.»<sup>۲</sup>

۷. راه رسیدن به اهداف

از مسیح علیه السلام نقل شده است که فرمود: «إِنَّكُمْ لَا تُدْرِكُونَ مَا تُحِبُّونَ إِلَّا بِصَبْرِكُمْ عَلَىٰ مَا تَكْرَهُونَ»؛<sup>۳</sup> «براستی به آنچه دوست دارید نمی رسید، مگر با صبر شما بر آنچه بد می دانید.»

امام علی علیه السلام فرمود: «بِالصَّبْرِ تُدْرِكُ مَعَالِيَ الْأُمُورِ»؛<sup>۴</sup> «با صبر است که به امور عالی می توان رسید.»

گویند سنگ لعل شود در مقام صبر آری شود و لیک به خون جگر شود<sup>۵</sup> حتی راه رسیدن به خداوند، صبر در مقابل معاصی، بلاها و بردباری بر

۲. کافی، ج ۲، ص ۸۷، ح ۱.

۳. بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۳۷، باب ۱۸ و

مستدرک، ج ۲، ص ۴۲۵.

۴. غرر الحکم، ص ۲۸۳، ش ۶۳۱۷ و منتخب

میزان الحکمة، ص ۲۸۷.

۵. حافظ.

صبر کردند، به دنبال آن به راحت طولانی مدت دست یافتند.»  
صبر کن حافظ به سختی روز و شب عاقبت روزی بیسای کام را<sup>۵</sup>  
۱۰. پاداش هزار شهید

حضرت صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ ابْتَلِيَ مِنْ شَيْعِنَا فَصَبَرَ عَلَيْهِ كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ أَلْفِ شَهِيدٍ؛ کسی از شیعیان که گرفتار شود، پس بر آن گرفتاری صبر کند، برای او اجر [و پاداش] هزار شهید خواهد بود.»

#### حکایت

«ام عقیل» زن مسلمان و بادیه‌نشینی بود. روزی دو میهمان بر او وارد شدند. فرزند آن زن، همراه شتران در بادیه بود، در همان لحظه به او خبر دادند که شتر خشمگین، فرزندش را در چاهی انداخته و کشته است. زن با ایمان به کسی که خسر مرگ فرزند او را آورده بود،

طاعت و بندگی است. امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ صَبَرَ عَلَى اللَّهِ وَصَلَّ إِلَيْهِ؛ کسی که بر [اطاعت و ترک معاصی] خدا صبر کند، به او خواهد رسید.»

#### ۸ صبر و ظفر

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «بِالصَّبْرِ يُتَوَقَّعُ الْفَرَجُ وَ مَنْ يُدْمِنُ قَرَعَ الْبَابَ يَلِجُ؛<sup>۱</sup> با صبر، انتظار گشایش می‌رود و کسی که بر کوبیدن دری مداومت کند، وارد می‌شود.»

در حدیثی دیگر فرمود: «أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ وَأَنَّ الْفَرَجَ مَعَ الْكَسْرِ؛<sup>۲</sup> پیروزی با صبر و گشایش با سختی است.»

#### ۹. راحتی دائمی

حضرت علی علیه السلام درباره صفات متقین می‌فرماید: «صَبِّرُوا أَيَّاماً قَصِيرَةً أَعْقَبَتْهُمْ رَاحَةً طَوِيلَةً؛<sup>۳</sup> مدت کوتاهی را

۵. حافظ.

۶. التمهيص، ص ۵۹، ح ۱۲۵ به نقل از منتخب میزان الحکمه، ص ۲۸۸ و کافی، کلینی، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش، ج ۱، ص ۳۵۲.

۱. بحار الانوار، همان، ج ۷۱، ص ۹۵، ح ۶۰.

۲. همان، ج ۷۱، ص ۹۶، ح ۶۱.

۳. همان، ج ۷۷، ص ۸۸، ح ۲.

۴. نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ۱۹۳، ص ۴۰۲.

گفت: «از مرکب پیاده شو و در پذیرایی از میهمانان کمک کن!» گوسفند را به او داد تا آن را ذبح کند و سرانجام، غذا آماده شد. «ام عقیل» غذا را نزد میهمانان گذاشت. پس از صرف غذا نزد آنان رفت و گفت: «آیا در میان شما کسی هست که از قرآن به خوبی آگاهی داشته باشد؟» یکی از حاضران گفت: «بله! من آگاهم.» زن گفت: «آیاتی از قرآن را برایم بخوان تا در برابر مرگِ فرزندم مایهٔ تسلی خاطر من شود.» او می‌گوید: «من، این آیات را برای آن زن خواندم ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ...﴾؛<sup>۱</sup> او به تحقیق شما را با ترس و گرسنگی و کمبود در اموال و جانها و فرزندانان می‌آزمایم و صبر کنندگان را بشارت بده...» زن خداحافظی کرد. سپس رو به قبله ایستاد و چند رکعت نماز گذارد. سپس عرض کرد: «اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ فَعَلْتُ مَا أَمَرْتَنِي بِهِ فَانْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي؛

خداوند! اوامرت را انجام دادم [و رشتهٔ شکیبایی را رها نساختم]، تو هم آنچه را [از رحمت و صلوات] به من وعده داده‌ای بر من ارزانی دار!» سپس اضافه کرد: «اگر بنا بود در این جهان، کسی برای کسی بماند...» یکی از حاضران می‌گوید: «من فکر کردم می‌خواهد بگوید که فرزندم برای من باقی می‌ماند؛ اما چنین ادامه داد که پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه و آله برای امتش باقی می‌ماند.»<sup>۲</sup>

#### توسل

بر اثر لطمات و ضربات وارده بر بدن حضرت زهرا علیها السلام در جریان هجوم به خانه وحی، آن بانوی مکرمه در بستر بیماری افتاد. در روزهای سخت بیماری آن بانو، زنان مهاجر و انصار به عیادتش آمدند و عرض کردند: «ای دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله! چگونه صبح کردی؟ با بیماری چه می‌کنی؟» حضرت زهرا علیها السلام پس از

۲. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، دار الکتب

الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۰ ش، ج ۱، ص ۵۲۴ و

در خانه غریب کسی سر نمی‌زند  
 من دختر پیامبر و زان همه یکی  
 دم از سفارشات پیمبر نمی‌زند  
 می‌زد مرا مغیره و یک کس به او نگفت  
 زن را کسی مقابل شوهر نمی‌زند  
 بیش از خودم به حالت زینب دلم بسوخت  
 (آخر)، مادر، کسی مقابل دختر نمی‌زند  
 آری اینجا مادر را مقابل فرزندان  
 زدند و در کربلا فرزندان و دختران را  
 کنار جنازه بابا تازیانه زدند.

بابا!

سوی شام و کوفه‌ام چه ظالمانه می‌برند  
 نمی‌روم ولی مرا به تازیانه می‌برند  
 سیر تو را نموده‌اند به نوک نی ستمگران  
 نمی‌روم ولی مرا به این بهانه می‌برند.

مجلس سوم: نیکی به پدر و مادر

احسان به پدر و مادر از حقوق  
 انسانی است، نه فقط اسلامی؛ منتهی  
 در اسلام، بهترین و بیش‌ترین تأکید بر  
 آن شده است و در قرآن در کنار  
 توحید، احسان به والدین مطرح  
 است؛ تا آنجا که حتی اگر انسان  
 مسلمان هم نباشند باید به آنها احسان

حمد خدا و درود بر پدرش فرمود:  
 «أَصْبَحْتُ وَاللَّهِ عَائِفَةً لِدُنْيَاكَنَّ قَالِيَةً  
 لِرَجَالِكُنَّ لَفَظْتُهُمْ بَعْدَ أَنْ عَجَمْتُهُمْ وَ  
 سَنَأْتُهُمْ بَعْدَ أَنْ سَبَرْتُهُمْ فَقُبْحًا لِقَوْلِ الْحَدِّ  
 وَاللَّعِبِ بَعْدَ الْجَدِّ وَقَرَعِ الصَّفَاةِ وَصَدَعِ  
 الْقَنَاءِ وَحَطَلَ الْأَرَاءِ وَزَلَلَ الْأَهْوَاءِ...»  
 صبح کردم در حالی که به خدا  
 سوگند دنیای شما را دوست نمی‌دارم  
 و از مردان شما خشمناک و بیزارم؛  
 درون و بیرونشان را آزمودم و نامشان  
 را از دهان خویش به دور افکندم، از  
 آنچه کرده‌اند، ناخشنودم چه زشت  
 است کنده‌ی شمشیرها و سستی و  
 بازیچه بودن [مردانتان] پس از آن  
 همه تلاشها، چه زشت است سر بر  
 سنگ خسار زدن، و شکاف برداشتن  
 نیزه‌ها و فساد آرا و اندیشه و انحراف  
 آرمان و انگیزه‌ها...»

زیان حال

جز غم کسی به خانه من سر نمی‌زند  
 اینجا که مرغ شوق دگر پر نمی‌زند  
 در شهر خود غریبم و با درد آشنا

۱. بحارالأنوار، همان، ج ۴۳، ص ۱۵۹، احتجاج،  
 ج ۱، ص ۱۰۸ و امالی، صدوق، ج ۱، ص ۳۸۴.

قرآن مجید، رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام، دستورهایی درباره احسان به ایشان دارند که در هیچ کتاب و مذهبی همانند آن را نمی توان یافت. اکنون به برخی از این آیات و روایات اشاره می شود:

۱. بزرگترین توصیه

﴿ وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴾<sup>۱</sup> «به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند. مادرش او را با ناراحتی حمل می کند و با ناراحتی بر زمین می گذارد. دوران حمل و از شیر گرفتنش سی ماه است، تا زمانی که به کمال قدرت و رشد برسد و به چهل سالگی بالغ شود،

و احترام کرد. مقام و پست، نباید انسان را از احترام به والدین غافل کند. انسان در هر مقامی باید پدر و مادر خویش را برتر از خود بداند و در مقابل آنها کرنش و تواضع کند. سفارش به احسان به پدر و مادر، متوجه فرزندان است؛ ولی به آنها توصیه نشده است که به فرزندان نیکی کنید؛ گویا عاطفه پدر و مادری برای این امر کافی است.

حدّ و مرزی در احسان به والدین وجود ندارد؛ همچون فقیر نیست که کمک تا زمان سیر شدن باشد و همچون جهاد نیست که تا رفع فتنه یا مثل روزه نیست که تا افطار باشد؛ بلکه حتی بعد از مرگ آنان نیز نباید آنها را فراموش کرد و تا زنده هستیم باید به والدین احسان کنیم.

فاطمه زهرا علیها السلام فرمود: «... بِرِّ الْوَالِدَيْنِ وَقَايَةَ مِنَ السَّخَطِ؛ نیکی به پدر و مادر را برای دوری از عذابش قرار داده است.»

آنها بگو! و بالهای تواضع خویش را از محبت و لطف در برابر آنان فرود آر! و بگو: پرورگار! همان گونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند، آنان را مشمول رحمت قرار ده.»

در آیه فوق ۷ دستور حیاتی و گره‌گشا به فرزندان نسبت به والدین داده شده است که اگر فرزندان مراعات کنند، مشکل سالمندان و والدین حل خواهد شد.

ابی ولاد حنّاط می‌گوید که از امام صادق علیه السلام درباره این آیه ﴿وَالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا﴾ پرسیدم و گفتم: «این نیکی چیست؟» حضرت فرمود: «نیکی این است که با آنان خوشرفتاری کنی و ایشان را وانداری که آنچه را به آن نیازمندند از تو درخواست کنند، اگرچه بی‌نیاز هم باشند؛ مگر خداوند عزوجل نمی‌فرماید: «هرگز به نیکی نمی‌رسی؛ مگر از آنچه دوست می‌داری، ببخشد.»<sup>۲</sup> سپس فرمود: «و

می‌گوید: پروردگار! مرا توفیق ده تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم دادی به جا آورم و کار شایسته‌ای انجام دهم که از آن خشنود باشی و فرزندان مرا صالح قرار بده. من به سوی تو باز می‌گردم و توبه می‌کنم، و من از مسلمانانم.»

## ۲. کم‌ترین اهانت ممنوع

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٌّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا وَخَفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا﴾<sup>۱</sup> و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید! و به پدر و مادر نیکی کنید. هر گاه یکی از آنها یا هر دوی آنها، نزد تو به سن پیری رسند، (کم‌ترین اهانتی به آنها روا مدار) و به آنها اف نگو و بر آنها فریاد مزن! و گفتار [لطیف و سنجیده و] بزرگوارانه به

۲. آل عمران/۹۲.

۱. اسراء / ۲۳ و ۲۴.

اما این آیه که فرمود: ﴿إِنَّمَا يَبْلُغَنَّ  
عِنْدَكَ الْكَبِيرَ أَخَذَهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا...﴾؛<sup>۱</sup> ...  
یعنی اگر تو را زدند بگو خدا شما را  
بیمرزد که این سخن بزرگوارانه از  
سوی توست و سخن کریمانه است  
که قرآن بدان امر می‌کند. و فرمود:  
«معنای ﴿وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ...﴾  
این است که نگاهت را جز به مهر و  
دلسوزی به آنان ندوز، صدایت را بالا  
نبر، دستت را بالاتر از دستشان نبر و  
از آنان پیش نیفت.»<sup>۲</sup>  
خدا را پرست و پدر را ستای  
ولی جان به قربان مادر نمای<sup>۳</sup>  
۳. احسان در کنار توحید  
در آیات متعددی از قرآن، در کنار  
امر به توحید و نهی از شرک، امر به  
احسان والدین شده است؛ از جمله  
آیه‌ای که گذشت<sup>۴</sup> و آیات ذیل:

یک - ﴿قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ  
عَلَيْكُمْ إِلَّا تَشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ  
إِحْسَانًا﴾؛<sup>۵</sup> «بگو: بیا بیاید آنچه را  
پروردگارتان بر شما حرام کرده است  
برایتان بخوانم: اینکه چیزی را شریک  
خدا قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی  
کنید.»

دو - ﴿وَ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ  
شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾؛<sup>۶</sup> «و خدا را  
پرستید! و هیچ چیز را همتای او قرار  
ندهید و به پدر و مادر، نیکی کنید.»

سه - ﴿وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي  
إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ  
إِحْسَانًا﴾؛<sup>۷</sup> «و [به یاد آورید] زمانی را  
که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که  
جز خداوند یگانه را پرستش نکنید، و  
به پدر و مادر [و نزدیکان] احسان  
کنید.»

۱. اسراء/۲۳.

۲. کافی، همان، ج ۲، ص ۱۵۸، ح ۱.

۳. ملک الشعراء بهار.

۴. اسراء/۲۳.

۵. انعام/۱۵۱.

۶. نساء/۳۴.

۷. بقره/۸۳.

## ۴. غضب خدا در غضب پدر

رسول خدا ﷺ فرمود: «رضا الله في رضا الوالدِ و سَخَطُ الله في سَخَطِهِ؛ أ»  
رضای خدا در رضای پدر است و غضب خدا در خشم او.»

نایست کردن خلاف پدر که آخر پشیمانی آرد به پر<sup>۲</sup>  
ذلت و خواری

امام هادی عليه السلام فرمود: «الْعُقُوقُ يُعَقِّبُ الْقَلْبَ وَيُؤَدِّي إِلَى الذَّلَّةِ؛<sup>۳</sup> ترک احسان به پدر و مادر، سبب تنهایی و منتهی به خواری می شود.»

## ۶. شقاوت عاق والدین

حضرت صادق عليه السلام: «عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ مِنَ الْكِبَايَرِ لِأَنَّ اللَّهَ جَعَلَ الْعَاقَّ عَصِيًّا شَقِيًّا؛ ترک احسان به پدر و مادر از گناهان کبیره است؛ چون خداوند

۱. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، آل البيت، قم، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۷۶ و الترغيب و التهيب، ج ۳، ص ۳۱۴، ح ۱، به نقل از: منتخب میزان العکمة، ص ۵۵۱، فردوسی، ۲.

۳. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ج ۱۵، ص ۱۹۵ و بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۴، ح ۹۵.

عاق والدین را معصیت کار و شقی قرار داده است.»

## نیکی به مادر بیشتر

نکته پایانی در این باب، این است که باید به مادر بیش تر نیکی کرد. امام صادق فرمود: «مردی نزد پیامبر اکرم عليه السلام آمد و عرض کرد: «ای رسول خدا! به چه کسی نیکی کنم؟»

«قَالَ: أُمُّكَ، قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: أُمُّكَ، قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: أُمُّكَ، قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: أَبَاكَ؛ فرمود: به مادرت. گفت: سپس به چه کسی؟ فرمود: مادرت. [باز] گفت: آن گاه به چه کسی؟ فرمود: مادرت. [باز] گفت: سپس به چه کسی؟ فرمود: پدرت.»<sup>۴</sup>

سر ز مادر مکش که تاج شرف گوردی از راه مادران باشد خاک شو زیر پای او که بهشت در قدمگاه مادران باشد<sup>۵</sup>

## حق مادر

مردی مشغول طواف خانه خدا بود و مادرش را نیز بر دوش گرفته

۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۵۹، ح ۹.

۵. جامی.



بود و طواف می‌داد. در همان حال، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را دید. از آن حضرت پرسید: «آیا با این کار، حق مادرم را انجام داده‌ام؟» آن حضرت فرمود: «خیر. تو حتی با این کار، جبران یکی از ناله‌های او را (به هنگام وضع حمل) نکرده‌ای.»<sup>۱</sup>

#### توسل

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به علی علیه السلام وصیت کرد: «يَا عَلِيُّ ... أَنْتَ أَوْلَىٰ بِي مِنْ غَيْرِي خَنْطَنِي وَغَسَّنِي وَكَفَّنِي بِاللَّيْلِ وَصَلَّ عَلَيَّ وَادْفِنَنِي بِاللَّيْلِ وَ لَا تُعَلِّمَ أَحَدًا وَ أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهَ وَ أَقْرَأُ عَلَيَّ وَ لِدِي السَّلَامَ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ»<sup>۲</sup> ای علی! ... تو از دیگران بر من سزاوارتری. حنوط و غسل و کفن مرا در شب انجام بده و شب بر من نماز بگزار و شب مرا دفن کن و به هیچ کس اطلاع مده. تو را به خدا

می‌سپارم و بر فرزندانم تا روز قیامت سلام و درود می‌فرستم.»

دل غریب من از گردش زمانه گرفت به یاد غربت زهرا شبی بهانه گرفت شبانه بغض گلوگیر من کنار بقیع شکست و چشم زدل اشک دانه‌دانه گرفت کنار پنجره‌ها چشم پر اشکم سراغ قبر بی‌نام و بی‌نشانه گرفت نشان شعله و دود سرای زهرا را

توان هنوز زدیوار و بام خانه گرفت؟ مصیبتی است علی را پیش چشمان عدو امید دلش را به تازیانه گرفت فراق فاطمه بسوتراب باور کرد شبی که چوبه تابوت او به شانه گرفت

امام علی علیه السلام طبق وصیت حضرت زهرا علیها السلام شبانه بدن او را غسل داد و کفن کرد و در محل نامعلومی<sup>۳</sup> به خاک سپرد. در لحظه دفن، دو دست، شبیه دستهای پیامبر صلی الله علیه و آله از قبر بیرون آمد و جنازه را تحویل گرفت. آن‌گاه علی علیه السلام به قبر پیامبر صلی الله علیه و آله رو کرد و

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۷۸.

۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۱۴، وسائل الشیعه،

حر عاملی، دار احیاء التراث، بیروت، ج ۱۲،

ص ۳۱۱ و دلائل الامامه، طبری، ص ۴۲.

۳. خانه خود حضرت علی، روضه پیامبر صلی الله علیه و آله و یا بقیع.

### مجلس چهارم: صلۀ ارحام

حقوق، دارای مراتبی است: اول، حق خداوند و سپس والدین و بعد، خویشاوندان که باید با آنها رابطه داشت؛ اگرچه در حدّ نشانیدن آب و رساندن سلام. صلۀ رحم آثار بسیاری دارد؛ همچون زیاد شدن عمر، آسان شدن حساب و روز قیامت، تزکیه عمل و ... و ترک آن نیز، آثار زیانباری دارد؛ همچون: ملعون شدن نزد خداوند و استشمام نکردن بوی بهشت.

زخویشان هر کسی ببرید پیوند به تیشه تیشه و پیوند خود کند بمال خویش باید مرد عاقل نماید قوم و خویش خویش خوشدل از آنان خوش نماید، میهمانی کند از جان و از دل میزبانی که آنها هم زجان گردند یارش به هر پیش‌آمدی تیمار خوارش باید با خویشان ارتباط داشت؛ هر چند از نیکان نباشد. در قرآن کریم،

عرضه داشت: «... سلام بر تو و دخترت! سلام وداع. اگر باز گردم، نه از روی ملال و خسته شدن و اگر بمانم، نه از بدگمانی به وعده‌های الهی به صابران است. شکیبایی زیباتر است.»<sup>۱</sup> آن‌گاه این اشعار را انشاء کرد:

«لِكُلِّ اجْتِمَاعٍ مِنْ خَلِيلَيْنِ فُرْقَةٌ  
و كُلِّ الَّذِي دُونَ الْمَمَاتِ قَلِيلٌ  
وَ إِنَّ أَفْقَادِي فَاطِمًا بَعْدَ أَحْمَدٍ  
دَلِيلٌ عَلَيَّ أَنْ لَأَ يَدُومَ خَلِيلٌ»<sup>۲</sup>

برای اجتماع هر دو دوستی جدایی است و تمام جداییها غیر از مرگ کم (و قابل تحمل) است و به راستی از دست دادن فاطمه بعد از احمد، دلیلی است بر این که دوستی دوام ندارد.

خدا حافظ، همه بود و نبودم  
خدا حافظ، گل یاس نبودم  
بیوس از جانب من روی محسن  
رسان بر خدمت بابا درودم

۱. اصول کافی، کلینی، مکتبة الصدوق، تهران، ص ۴۵۸، ح ۳.

۲. امالی، صدوق، موسسة البعثة، قم، ص ۵۸۰، مجلس ۷۴، ح ۷۹۷ و العوفاقیات، ۱۹۳، ح ۱۰۶.

آیات فراوانی در این باره آمده است که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

۱. نشانه عاقبت به خیری

«الَّذِينَ يُوفُونَ بَعْدَ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ ... أُولَئِكَ لَهُمْ عِثَابٌ الدَّارِ»؛  
 «آنها که به عهد الهی وفا می‌کنند و پیمان را نمی‌شکنند و آنها که پیوندهایی را برقرار می‌دارند که خدا به برقراری آن، دستور داده است؛ و از پروردگارشان می‌ترسند و از بدی حساب (روز قیامت) بیم دارند ... پایان نیک سرای دیگر، از آن آنهاست.»

۲. ملعون در سه جای قرآن

امام صادق علیه السلام از پدرش نقل کرده است که فرمود: «پدرم علی بن الحسین علیهما السلام به من فرمود که به پنج کس توجه نکن و با آنان رفیق مشو: دروغگو، فاسق، بخیل، احمق و کسی که قطع رحم می‌کند که او را در

کتاب خداوند در سه جا لعن شده یافتیم؛ خداوند فرمود: «قَهْلَ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطُّوا أَرْحَامَكُمْ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ»؛<sup>۱</sup> و قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ»؛<sup>۲</sup> وَقَالَ فِي الْبَقَرَةِ: «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»؛<sup>۳</sup> «پس [ای منافقان!] آیا امید بستید که چون از خدا برگشتید

[و یا سرپرست مردم شدید] در روی زمین فساد کنید و خویشاوندیهای خود را از هم بگسلید؟ اینان همان کسانی هستند که خدا آنان را لعنت

۱. محمد / ۲۲.

۲. بقره / ۲۵.

۳. بقره / ۲۷.

«... وَصِلَةَ الْأَرْحَامِ مَنْسَأَةً فِي الْعُمْرِ وَ  
مَنْمَأَةً لِلْعَدَدِ؛<sup>۱</sup> [خداوند] صله رحم را،  
باعث تأخیر مرگ و فزونی عددی  
[خویشاوندان] قرار داده است.»

در روایات بسیاری اشاره شده  
است که صله رحم عامل تأخیر مرگ  
و مردن است.

امام حسین علیه السلام فرمود: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ  
يُنْسَأَ فِي أَجَلِهِ وَيَزِدَادَ فِي رِزْقِهِ فَلْيُصِلْ  
رَحِمَهُ؛ کسی که دوست دارد مرگش  
به تأخیر افتد و رزقش افزوده شود،  
پس با رحمش ارتباط داشته باشد.»

گاه، همین معنا به صورت افزایش  
عمر بیان شده است که تعبیر روشن تر  
از تأخیر مرگ است.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: «مَا نَعْلَمُ  
شَيْئاً يَزِيدُ فِي الْعُمْرِ إِلَّا صِلَةَ الرَّحِمِ حَتَّى  
إِنَّ الرَّجُلَ يَكُونُ أَجَلُهُ ثَلَاثَ سِنِينَ فَيَكُونُ  
وَصُولًا لِلرَّحِمِ فَيَزِيدُ اللَّهُ فِي عُمْرِهِ ثَلَاثِينَ  
سَنَةً وَيَكُونُ أَجَلُهُ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً

کرده و گوش [دل] ایشان را ناشنوا و  
چشمهایشان را نابینا کرده است» و  
خدای عزیز و جلیل فرمود: [فاسقان،]  
کسانی هستند که پیمان خدا را پس از  
محکم ساختن آن می شکند و  
پیوندهایی را که خدا دستور داده  
برقرار سازند، قطع، و در روی زمین  
فساد می کنند. برای اینان است لَعْنَتِ  
[خدا و دوری از رحمت او] و برای  
آنان، جایگاه بدی است.» و در سوره  
بقره فرمود: [فاسقان،] کسانی هستند  
که پیمان خدا را پس از محکم  
ساختن آن می شکند و پیوندهایی را  
که خدا دستور داده برقرار سازند،  
قطع، و در روی زمین فساد می کنند.  
اینها زیانکاران اند.»<sup>۱</sup>

در روایات نیز آثار نیک صله رحم  
و زیانهای قطع رحم بیان شده است.

حضرت زهرا علیها السلام از بین این  
آثار، به دو نمونه اشاره کرده است؛  
آنجا که فرموده است:

۲. بحار، ج ۷۴، ص ۹۴، ح ۲۳.

۳. همان، ص ۹۱، ح ۱۵.

۱. کافی، ج ۲، ص ۶۴۱.

دنیا رفت و دفن شد و ما در مراسم تشییع و نماز او حضور نیافتیم.»  
سلطه گران گفتند: «از زنان مسلمان، عده‌ای بیایند و این قبور را نبش کنند تا بدن فاطمه را بیابند تا بر آن نماز گزاریم و قبر او را زیارت کنیم.»

این خبر به امیرمؤمنان علیه السلام رسید. او غضبناک بیرون آمد. چشمانش سرخ و رگهای گردنش برآمده بود و قبایی زرد رنگ - که در مواقع سختی می پوشید- بر تن داشت و بر شمشیر خود، ذوالفقار، تکیه زنان به سمت بقیع آمد. شخصی به سوی مردم رفت و گفت: این علی است که می آید و سوگند می خورد که اگر سنگی از این قبور برداشته شود، با شمشیر پاسخ خواهد داد. عمر و تعدادی از اصحابش گفتند: یا اباالحسن! سوگند به خدا! قبر فاطمه را نبش می کنیم و بر او نماز می گزاریم.

علی علیه السلام لباس او را گرفت و بر زمین زد و فرمود: «يَا ابْنَ السَّوْدَاءِ أَمَا

فَيَكُونُ قَاطِعاً لِلرَّحِمِ فَيَنْقُصُهُ اللّهُ نَلْسَائِينَ سَنَةً وَيَجْعَلُ أَجَلَهِ إِلسَى ثَلَاثِ سِنِينَ؛ چیزی سراغ نداریم که به مانند صله رحم، عمر را افزونی بخشد تا آنجا که اجل شخص، سه سال دیگر است؛ پس بسیار صله رحم می کند و خداوند بر عمر او سی سال می افزاید و اجلش می شود سی و سه سال. و اگر قطع رابطه با رحم کند، خداوند، سی سال عمر او را کم می کند و اجل او را در [ظرف] سه سال قرار می دهد.»

#### توسل

فردای آن شب که حضرت فاطمه علیها السلام دفن شد، چهل قبر جدید در بقیع به چشم می خورد. مسلمانان، وقتی این صحنه را دیدند و قبر آن بانو در میان آن قبور مشخص نبود، ضجه سر دادند. آنان، یکدیگر را ملامت کردند و گفتند: «فقط یک دختر از پیامبر باقی مانده بود که از

دیگر باز نگشتند. جمله «بَتَوَكَّلًا عَلَيَّ سَيِّفُهُ...» بر عصایش تکیه می‌کرد» نشان می‌دهد که داغ زهرا آن قدر اثر گذاشته بود که حضرت بسان انسان سالخورده‌ای، تکیه زنان به شمشیر می‌آمد.

#### زبان حال حضرت علی علیه السلام

مدینه گریه کن با من که زهرا رفته از دستم  
غریب و بی‌کس و تنها درون خانه بنشتم  
غریبی مرا مردم همه با چشم خود دیدند  
میان شعله آتش گلم را با لگد چیدند  
صدای ناله زهرا ز پشت در شنیدم من  
خدا داند که از زینب خجالت می‌کشیدم من



حَتَّىٰ قَدَّ تَرَكَتَهُ مَخَافَةَ أَنْ يَرْتَدَّ النَّاسُ  
عَنْ دِينِهِمْ وَأَمَّا قَبْرُ فَاطِمَةَ فَوَالَّذِي نَفْسُ  
عَلِيِّ بِيَدِهِ لَئِنْ رُمْتُ وَأَصْحَابُكَ شَيْئًا مِنْ  
ذَلِكَ لَأَسْفِينَنَّ الْأَرْضَ مِنْ دِمَائِكُمْ فَإِنْ  
شِئْتَ فَأَعْرِضْ يَا عُمَرُ! يَا بَنَ السُّودَاءِ! أَمَا  
حَقَّ خُودِمِ، از بیم ارتداد مردم از آن  
گذشتم؛ اَمَا قَبْرِ فَاطِمَه، سوگند به آن  
کس که جانم به دست اوست! اگر تو  
و اصحابت متعرض این قبور شوید،  
زمین را از خونتان سیراب می‌کنم، ای  
عمر! اگر می‌خواهی اقدام کن.»

ابوبکر جلو آمد و گفت: ای  
ابوالحسن! به حق رسول خدا و به حق  
کسی که روی عرش است! از او  
دست بردار که ما هرگز کاری انجام  
ندهیم که تو را ناخوش آید. علی علیه السلام  
او را رها کرد و مردم متفرق شدند و

۱. دلائل الامامة، ابی جعفر محمد بن جریر طبری،  
منشورات المطبعة العیدریة، نجف، ۱۳۶۹ ق،  
۱۹۴۹ م، ص ۲۷ و شبیه آن در: بحار الانوار،  
ج ۲۳، ص ۱۲۰۵، رک: قصه هجرت، نظری منفرد،  
انتشارات سرور، قم، اول، ۱۳۸۳ ش، ص ۲۸۳ و